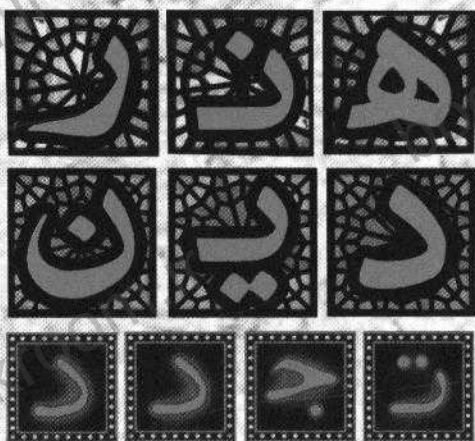


سید محمد مهدی میرباقری



گفتارهایی درمبانی هنر

گفتار یکم: هنر و ارتقای تمدنی / ۱۳

۱۵	مقدمه
۱۵	هنر، زمینه ساز ارتقای احساسات اجتماعی
۱۶	نسبت هنر و فلسفه تاریخ
۱۸	هنر و عرصه درگیری تمدنی
۲۰	هنر و رویکرد فرهنگی اصیل انقلاب اسلامی

گفتار دوم: هنر، تجلی ذکر اجتماعی در مسیر تاریخ / ۲۳

۲۵	هنر و انتقال احساس حاصل از ذکر
۲۷	هنر، قوه سنجش و اختیار
۳۰	تفاوت بستر سازی علمی و هنری
۳۲	هنر و فرایند نظام اختیارات تاریخی
۳۳	هنر حق، هنر باطل
۳۴	مقیاس مطالعه هنر
۳۷	تفاوت هنر و برنامه ریزی علمی
۳۸	غایت هنر دنیا محور و حقیقت محور
۴۰	پرسش و پاسخ
۴۰	هنر حقیقت محور و ابزار هنری مدرن
۴۱	امکان و لزوم تغییر مدل مند تکنولوژی مدرن

۴۳	نسبت هنرو علم غیردینی با هنرو علم واقعی
۴۴	هنردینی و نگاه حداکثری و حداقلی به دین
۴۷	نسبت پژوهش‌ها با معارف اهل بیت علیهم السلام
۴۹	هنردینی و تکامل تاریخی قرب
۵۲	لوازم تولید فقه هنر

گفتار سوم: هنر قرآنی / ۵۵

۵۷	مقدمه
۵۷	خاستگاه و کارکرد اجتماعی هنر
۵۹	هنرو دانش‌های پیرامونی
۶۰	چیستی هنراز منظر دین و قرآن
۶۲	هنردر بستر نور یا بستر ظلمت
۶۵	هنر قرآن، محور تکامل هنردر تاریخ

گفتار چهارم: ارزش‌های بومی و هنرهای یهودی / ۷۱

۷۳	مقدمه
۷۴	عرفی‌سازی فرهنگ دینی برای رسیدن به فرهنگ مدرن
۷۵	ساده‌سازی عقلانیت مدرن برای رسیدن به عقلانیت مذهبی
۸۰	نقطه آغاز درک آسیب
۸۲	هنر، ابزار انتقال درک نخبگانی آسیب
۸۳	نگاه «خرد، کلان و توسعه» به هنر
۸۴	اسارت و پریشانی انسان، نمود هنرمدرن
۸۸	عبودیت انسان، نمود هنردینی

گفتار پنجم: مبانی شعر مذهبی / ۹۷

۹۹	مقدمه
۹۹	رهبری احساسات اجتماعی از سوی هنرمندان
۱۰۰	هنر، ابزار اقامه و جهت‌دهی به عواطف اجتماعی
۱۰۰	رسالت هنرمند دریافتن مصادیق تاریخی تولی و تبری
۱۰۲	الگوهای دینی در زمینه هنرو شعر
۱۰۲	توجه به الگوی هنری دعای ابوحمزه ثمالی
۱۰۵	افق‌های احساس عاشورایی در کامل‌الزیارات

- ۱۰۷ ضرورت تکیه هنرمند بر روایات، ادعیه و زیارات
 ۱۱۰ جایگاه خیال در هنر
 ۱۱۱ تقوای در عمل، تقوای در خیال
 ۱۱۳ لسان دلال آمیز و لسان طلبکارانه
 ۱۱۹ اجتماعی بودن تخیل و هنر

گفتار ششم: امکان یا عدم امکان هنردینی و هنر غیردینی / ۱۲۳

- ۱۲۵ مقدمه
 ۱۲۵ هنر و جوشش احساس هنرمند
 ۱۲۶ تخیل و احساس هنرمند
 ۱۲۷ هنر و تحول در مقیاس فرد، جامعه و تاریخ
 ۱۲۸ امکان یا عدم امکان هنردینی
 ۱۳۰ نسبت هنردینی با ولایت و تولی
 ۱۳۱ هنردینی و پذیرش نظریه حضور اختیار در تولید دانش
 ۱۳۳ پرستش و هنر
 ۱۳۳ زیبایی‌شناسی و پرستش
 ۱۳۵ هنر و دعوت به سوی آله
 ۱۳۶ هنر و فرهنگ پرستش در جامعه
 ۱۳۷ هنرمند دینی و هنرمعطوف به عصر ظهور

گفتار هفتم: فرهنگ و نظام شهرسازی / ۱۴۱

- ۱۴۳ مقدمه
 ۱۴۴ هنر و تحولات اجتماعی
 ۱۴۵ مدل شهرسازی و الگوهای توسعه
 ۱۴۶ قبله نظام‌های شهری
 ۱۴۷ نظام شهرسازی، تجسد روح جمعی انسان‌ها
 ۱۴۸ ولی حق و شکل‌گیری شهردینی
 ۱۴۹ امپراطوری قدرت و شکل‌گیری شهرمدرن
 ۱۵۰ نمادهای شهری و فرهنگ حاکم
 ۱۵۲ تمرکزگرایی و ساختار شهرمدرن
 ۱۵۳ دیدگاه‌های مختلف در فرهنگ شهرسازی

گفتار هشتم: شاخص های قطب فرهنگی نظام اسلامی / ۱۶۱

- ۱۶۲ مقدمه
- ۱۶۳ پرستش، محور شکل گیری شهر مقدس
- ۱۶۴ انتشار توحید، هدف تاریخی از شکل گیری شهر
- ۱۶۶ ضرورت تداوم توأمان جاذبه و دافعه در نگاه به شهر مقدس
- ۱۶۸ ضرورت هماهنگی ساخت شهر با آرمان های نظام اسلامی
- ۱۷۰ تفاوت اقتضائات قطب فرهنگی با قطب اقتصادی
- ۱۷۵ تشکیل اتاق های فکری برای جریان آرمان ها در مهندسی شهر
- ۱۷۸ ضرورت استفاده از ظرفیت مراکز تحقیقاتی به عنوان نهاد پشتیبان

گفتار نهم: رسالت سینمای مقاومت در مقابل هنرمدرن / ۱۸۱

- ۱۸۳ مقدمه
- ۱۸۳ عقل و فرامین الهی
- ۱۸۵ اقبال و بازگشت عقل به فرمان خداوند
- ۱۸۶ عقل و جهل و جنود آن ها در باطن عالم
- ۱۸۸ جایگاه انسان در درگیری عقل و جهل و گستره این نبرد
- ۱۹۰ تمدن و سیر تاریخی درگیری جریان حق و باطل
- ۱۹۱ جهت گیری هنر و هدف حاکم بر آن
- ۱۹۳ هنرمدرن؛ تحقیر ارزش ها و تعهد به تجدد
- ۱۹۴ نسبت هنر با آله هنرمند
- ۱۹۶ ترسیم آینده در دستگاه انبیاء علیهم السلام و هنر؛ شهود حقیق یا تخیلات
- ۱۹۹ رسالت هنر اسلامی و سینمای مقاومت در برابر سینمای سلطه
- ۲۰۰ ایجاد سبک و دعوت به حقیقت در هنر و سینمای اسلامی
- ۲۰۳ تفاوت سینمای مقاومت و سینمای روشن فکری منفعل

کتابنامه / ۲۰۹

نمایه / ۲۱۱

درآمد

هنر و مظاهر گوناگون آن و همچنین نقد و تحلیل آن در شرایط کنونی جامعه موجب بروز مشکلات اجتماعی و اختلاف سلیقه‌هایی بین دوستان انقلاب شده است. صرف نظر از انگیزه‌های سیاسی، منشأ حقیقی این تنازعات، امری فرهنگی است که باید در این عرصه، افق‌گشایی و نظریه‌پردازی صورت گیرد.

ابهام‌های تئوریک فراوانی در زمینه هنر وجود دارد؛ از جمله اینکه: آیا هنر، به «اسلامی و غیراسلامی» تقسیم می‌شود یا خیر؟ اگر هنر اسلامی، هنر خاصی است، آیا اسلامیت هنر تنها به مضمون، محتوا و پیام آن مربوط می‌شود یا کیفیت و فرم تکنیک‌های هنری نیز به اسلامی و غیراسلامی تقسیم می‌شوند؟ آیا هر کیفیت خاص هنری می‌تواند ظرف بروز و تجلی هر گونه احساس، تفکر و اندیشه باشد یا آنکه هر فرم و تکنیک خاص هنری، با احساس و اندیشه خاصی تناسب داشته، تنها تاب تجلی و بروز همان احساس و اندیشه را داراست؟ اگر چنین است مبانی هنر اسلامی کدام است؟ آیا زیباشناسی و زیباپسندی امری ثابت و مشترک بین افراد انسان است، یا امری نسبی و تغییرپذیر است؟

پرسش‌های فراوانی از این دست و به‌طور کلی فقدان فلسفه هنر و زیباشناسی و فلسفه و تاریخ خاص هنر مبتنی بر معارف اسلامی که از سویی اهداف و مسیر کارایی هنر را مشخص، و از سوی دیگر با سرپرستی شاخه‌های مختلف دانش هنری این علوم را هدایت و توصیف‌های کارشناسانه و علمی را

ساماندهی نماید، مشکل اصلی هنر کنونی جامعه است. فقدان نظریه‌های روشن در این زمینه‌هاست که به صورت قهری و ناخودآگاه در رویناها آشکار شده و احیاناً در شکل اختلاف‌ها و تنش‌های تند اجتماعی بروز می‌نماید.

حقیقت هنر، عبارت است از کیفیت پرستش معبود واقعی و فرم عشق‌ورزی با او که می‌تواند در چهره پرستش فوق ملکوتی انبیا و اولیا علیهم‌السلام و یا در قالب پرستش و گرایش‌های مادون حیوانی شیاطین و طواغیت ظاهر گردد. هنر امری از مقوله احساس، گرایش و پدیده‌ای عام است که در تمامی مراتب زندگی فردی و اجتماعی ابنای بشر متجلی و آشکار می‌گردد.

این هنروری همه مراتب وجود انسان را از باطن روح تا ظاهر اعمال جوارحی پرنموده است؛ از این رو همه افعال انسان اعم از قلبی، ذهنی، عینی، فردی و اجتماعی فرد و جامعه نوعی خاص از هنر عشق‌ورزی با معشوق حقیقی در قالب الهی و یا حیوانی و مادون آن است. بر این اساس زیبایی و زشتی در تمامی منازل و جایگاه‌ها از دیدگاه الهی و الحادی، تعاریف مختلفی یافته، با دید الهی هنر زشت و زیبا، و زیبایی و زشتی هنر به مراتب خداپرستی و دنیاپرستی تفسیر می‌گردد؛ در این دیدگاه هنر زیبا هنری است که وجدان اجتماعی را در جهت پرستش ملکوتی ارتقا دهد.

نقش و رسالت حقیقی هنر اجتماعی اعم از دعوت عمومی، ایجاد انگیزه پرورش روانی خاص و هدایت تمایلات و عواطف جمعی در جهتی معین بوده، از این رو از مهم‌ترین ابزار مدیریت سیاسی است؛ چه اینکه محور اصلی تمام مدیریت‌ها مدیریت بر روان انسان‌ها و هماهنگ نمودن نظام ارزشی و زیباپسندی آنان با مقاصد ولایت و پرورش روحی انسان کارآمد در آن مسیر و ایجاد سعه صدر اجتماعی للایمان و یا للکفر است که آثار آن در سطوح مختلف فرهنگی و سیاسی ظاهر شده، جهت‌گیری نظام فرهنگ و عمل اجتماعی را متعین می‌سازد؛ در پرتو زیباپسندی عمومی مشخص

است که نوعی خاص از روابط انسانی و نظام مدیریت، مقبول و یا مردود می‌گردد؛ از این نظرگاه جریان و توسعه قدرت ولایت الهی و یا الحادی در میدان فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رهین هنروری هماهنگ هنرمندانی است که در مسیر رهبری رهبران الهی و یا الحادی جوامع بشری صورت می‌پذیرد.

هنر با زبان ویژه خود با عمق عواطف اجتماعی ارتباط می‌گیرد و ایجاد پرورش خاص روانی می‌نماید؛ احساسات اجتماعی را در جهت خاص فرم بخشیده، از این رهگذر کارایی ویژه‌ای را تأمین می‌کند. این‌ها از جمله مواردی است که در هنر کنونی به خوبی و بیش از پیش جلوه‌گر است؛ چه اینکه هنر رئالیسم به ظاهر در صدد ارائه هرچه بهتر واقعیت با ظرافت‌ها و دقائقش بوده و قهراً اشخاصی از زمره هنرمندان چیره و زبردست آن دوره و متناسب با آن هنر به حساب می‌آمده‌اند که هرچه دقیق‌تر و بدون کم‌وکاست و یا افزایش، طبیعت را در آثار خود منعکس نمایند؛ برای مثال: کمال‌الملک و میکال آنژ نقاشان هنرمند آن دوره به شمار می‌آیند؛ برخلاف هنر کنونی که در صدد القای احساسات ویژه هنرمند از سوژه‌های هنری در قالب کیفیت‌های ویژه متناسب با آن به میدان تمایلات اجتماعی است و احساسی را که در خود حادثه منعکس نبوده، بلکه محصول برخورد نظام حساسیت‌های ویژه هنرمند با آن پدیده است، به جامعه منتقل می‌نماید؛ چه بسا در قالب حوادث و صحنه‌های تخیلی و غیر واقعی و یا با علائم ویژه و حتی به شکل سحرآمیز تنها ورود یک احساس را به میدان نظام عواطف و انگیزه‌های اجتماعی تعقیب می‌نماید که نقاشی‌های کاریکاتوری و رمان‌های تخیلی و انواع مختلف فیلم‌ها و ... نمونه‌ای از آن است؛ به عنوان نمونه: سریال‌ها و فیلم‌ها در مجموع و به شکل پیچیده‌ای به دنبال ایجاد حساسیت‌های اجتماعی ویژه و تغییر ارزش‌ها، آداب و سنن مذهبی

و قومی در مسیر بازسازی نیروی انسانی در شکل متناسب با نظام رشد و توسعه غربی هستند؛ می‌توان از هنر سابق به عنوان هنر ارائه و از هنر کنونی به عنوان هنر تولید یاد کرد. هرگاه تکنیک‌های هنری عهده‌دار ایجاد یک حادثه و پدیده و - نه ارائه آن - شدند، تناسب و سنخیت آن‌ها با آن پدیده، ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ به این ترتیب «جهت» در اعماق، محتوا و تکنیک‌های هنری نفوذ می‌نماید.

کتاب حاضر، متشکل از ۹ سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری در موضوع مبانی هنر و نسبت هنر، دین و تجدد است که در همایش‌ها و نشست‌های مختلفی ارائه شده است که با ویرایش و عنوان‌گذاری تقدیم می‌شود. استاد میرباقری در این مجموعه، درباره جایگاه هنر در فلسفه تاریخ، هنر دینی و هنر مدرن، رویکرد قرآن کریم به هنر، هنر و معماری، هنر و شعر، هنر و سینما و... سخن گفته‌اند. به امید آنکه انتشار این مجموعه گامی در مسیر کمک به پروژه هنر دینی و انقلابی باشد.